



بررسی سند شرعی کوبیدن در هفت مسجد در آخر صفر + نظر مراجع تقلید

همواره یکی از دغدغه های مهم اندیشمندان و مصلحان دینی و اجتماعی، خرافه زدایی از رفتارهای دینی و اجتماعی بوده است؛ چرا که شیوع و گسترش باورهای خرافی می تواند موجب انحطاط اندیشه های دینی و جایگاه خرد در جوامع انسانی باشد. یکی از سنت هایی که برخی از مردم به آن اعتقاد دارند رجوع به درب مساجد و کوباندن درب های آن و خبر دادن از پایان ماه صفر است؛ این دسته افراد بر این باورند که اگر این کار را انجام دهند، بهشت بر آنها واجب می شود. در ادامه با بررسی سند شرعی کوبیدن در هفت مسجد در آخر صفر تا انتها با ماه همراه باشید.



مفهوم شناسی خرافه

هر چند معنای کلیدواژه «خرافه» برای بسیار از افراد روشن است، ولی باین حال برای اینکه در تشخیص مصادیق و انواع خرافه بیراهه نرویم لازم است معنای آن نیز مورد دقت و تأمل قرار گیرد. خرافات در لغت به معنای سخنان بیهوده، غیر واقعی، باطل و افسانه اطلاق می شود، در اصطلاح به معنای عادات و عقایدی است که برخلاف عقل و منطق و علم باشد و با موازین شریعت سازگار نباشد. باین تعریف، شخص خرافاتی به کسی اطلاق می شود که به اموری همچون سخنان بیهوده و باطل، اسطوره ای، افسانه های، شعائر بیهوده و عقاید بدون دلیل و مدرک معتقد باشد.

ریشه و منشأ پیدایش خرافه گرایی

۱- **افول اجتهاد و تحقیق علمی:** علت و منشأ اصلی پیدایش خرافه در جوامع انسانی بیشتر ریشه در جهل و وهم گرایی دارد، جوامع ای که برای دست یابی به حقایق از مسیر صحیح آن وارد نمی شود و تنها به استنادات وهمی و غیر علمی تکیه می کنند نوعاً گرفتار امور خرافی می شوند. عدم تحقیق و پژوهش در امور اعتقادی و معرفتی و بسنده کردن به تقلید کورکورانه زمینه گسترش باورهای غیر واقعی را در جوامع فراهم می کند؛ تبعیت و تقلید کورکورانه ای که قرآن کریم خط بطلان بر آن کشیده است. «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءُنَا؛ [القمان/ ۲۱] و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید!»، می گویند: «نه، بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم»!

۲- **ساده اندیشی و مقدس مآبی و عوام زدگی:** ساده اندیشی و مقدس مآبی نیز از جمله عواملی است که در ترویج امور خرافی بی تأثیر نبوده است، برخی افراد با ساده اندیشی و پذیرش راحت هر سخن و باوری غیر واقعی و عده ای هم با دادن رنگ و لعاب دینی و مذهبی زمینه امور خرافی را در جامعه فراهم می کنند. این در حالی است که در منطق قرآن انسان های موفق و خردمندان واقعی کسانی معرفی شده اند که از بهترین سخنان (فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ) استقبال می کنند نه هر سخن و اندیشه باطل و غیر صحیح. [الذین



يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (زمر/۱۸) همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمنداند]»

۳- غلو و افراطی گری: با اندکی دقت و تأمل به این مطلب می توان اذعان داشت که غلو و بزرگ نمایی های غیرواقعی نیز در ترویج امور خرافی مؤثر بوده است، تأکید های فراوان بر اموری همچون قصه و داستان های شگفت انگیز، خواب های غیر مستند همه و همه عواملی است که به نوعی زمینه را برای امور خرافی فراهم می کند. رویه نامبارک و غیر مناسبی که قرآن از آن نکوهش کرده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَصْلُوا كَثِيرًا وَ ضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (مائده/۷۷) (بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگویید! و از هوسهای جمعیتی که بیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید]»!

یک غلو و خرافه آشکار در ماه ربیع اول

یکی از خرافات رایج و معروفی که با پایان یافتن ماه صفر در بین برخی اقشار جامعه شیوع می یابد رجوع به درب مساجد و کوباندن درب های آن و خبر دادن از پایان ماه صفر است، این دسته افراد بر این باورند که اگر این کار را انجام دهند بهشت بر آن ها واجب می شود. این باور و سخن کذایی در واقع ریشه در یک روایت بدون سند و مدرک دارد که حدیث پژوهان و محققان حوزه دین آن را رد کرده و هیچ اعتنایی به آن ننموده اند.

راه نجات از امور خرافی و تشخیص صحیح چیست؟

برای پاسخ به این سؤال مهم در مواجهه با برخی رفتارهای اجتماعی و تشخیص خرافه از غیر خرافه می بایست به چند نکته مهم اشاره کرد:

۱- مطابقت با معارف قرآنی و حدیثی: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) در روزهای پایانی عمر شریفشان حدیث شریف ثقلین را برای مردم قرائت کرده و به آنان تأکید می کنند تا زمانی که به کتاب خدا و عترت رسول اکرم (ص) تمسک جویند گمراه نخواهند شد، [کلینی، کافی، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۹۴...]. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا - كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَهْلُ بَيْتِي عِترَتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَ قَدْ بَلَغْتُ إِنْكُمْ سَرِّدُونَ عَلَى الْحَوْضِ فَاسْأَلْكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي ... من در میان شما دو چیز باقی می گذارم که اگر آنها را دستاویز قرار دهید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند. ای مردم بشنوید! من به شما رساندم که شما در کنار حوض بر من وارد می شوید، پس من از شما درباره رفتارتان با این دو یادگار ارزشمند سؤال خواهم کرد، یعنی کتاب خدا و اهل بیتم. [ما نیز در حیات دنیوی اگر به خوبی این حدیث شریف را سرلوحه زندگی مان قرار دهیم و منشیان را مطابق معارف قرآنی و حدیثی سامان دهیم، هیچ گاه دچار خرافه گرایی نخواهیم شد، البته نباید از این موضوع نیز غافل شد که در تمسک به احادیث می بایست بین حدیث صحیح و حدیثی که پایه و اساس سندی ندارد فرق گذاشت.



۲- بهره گیری صحیح از قوه عاقله و پیامبر درونی: خدای متعال در آیات بی شماری از قرآن کریم مردم را به بهره گیری از قوه تعقل و تدبر تشویق کرده است، اگر ما در حیات مادی از این قوه الهی به خوبی استفاده کنیم به خوبی می توانیم مرز میان حق و باطل را تشخیص دهیم.

۳- توجه جدی به علم و دانش و تحقیق: بدون شک در مواجهه با امور خرافی هیچ گاه انسان عالم با انسانی که از دانش بهره ای ندارد یکسان نیستند...» [قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ] (بگو: «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می شوند!») چرا که قدرت علم، منطقی و تحقیق می تواند سد محکمی در برابر باورهای خرافی باشد، درواقع کسانی که بدون تحقیق در منابع روایی و بدون بررسی سندی و محتوای روایتی را دست آویز رفتار اجتماعی خود قرار می دهند، در موارد بی شماری در تشخیص بین حق و باطل با مشکل و چالش مواجه خواهند شد. درواقع عقاید صحیح و منطقی در تعامل تعقل و دانش ورزی حاصل می شود.